

الگوی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم لطفعلی بختیاری^۱ و علیرضا ادیبی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

چکیده: تصمیم‌گیری در سازمان‌ها و نهادها و توجه به مباحث مدیریتی، به‌ویژه اصول و مبانی تصمیم‌گیری، اهمیت دارد. در راستای پیشگیری انتظامی از جرم، نیروی انتظامی باید با درک، شناخت و تصمیم‌گیری مناسب و به‌هنگام و اجرای ابعاد و شاخص‌های آن در جامعه، اقدام بایسته را انجام دهد. برای این کار نیاز به الگو است. هدف پژوهش، دستیابی به الگوی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم است. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری، نخبگان حوزه پیشگیری انتظامی و مدیریتی ناجا و اساتید دانشگاه هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و اصل اشباع نظری و فرمول کوکران، ۱۲۳ نفر انتخاب شدند. داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته و در بخش کمی با پرسش‌نامه که روایی و پایایی آن نیز تأیید شد، گردآوری شدند. نتایج نشان داد، ابعاد و مؤلفه‌های الگوی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم عبارتند از: تعیین و تشخیص مسئله، مشخص کردن اهداف، گردآوری اطلاعات، تعیین راهکارها، ارزیابی راهکارها، انتخاب راهکار، اجرا و ارزیابی. همچنین الگوی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم استخراج شد که بیشترین و کمترین تأثیر در این الگو به ترتیب در متغیرهای تعیین و تشخیص مسئله و ارزیابی به دست آمد.

واژگان اصلی: پیشگیری از جرم، پیشگیری انتظامی، تصمیم‌گیری، الگو.

۱. عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) abakhti51@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

مقدمه

تصمیم‌گیری با سرعتی شتابان در حال ارتقای جایگاه خود در فرآیند مدیریتی و سیاست‌گذاری دولت‌ها و سازمان‌ها است. مدیران در تصمیم‌گیری و دستیابی به اهداف سازمانی از دو سبک شهودی (ابتکاری) و عقلایی (منطقی) استفاده می‌کنند. در سبک شهودی، مدیران بر پایه تجربه، تحلیل‌های دوره‌ای و احساس وقوع رخدادهای آتی، تصمیم‌گیری می‌کنند. در سبک عقلایی، مدیران با تکیه بر توانایی‌های فکری، عقلی و پس از بررسی، تجزیه و تحلیل منظم و دقیق اطلاعات، با شناسایی و به کارگیری بهترین راهکار ممکن تصمیم می‌گیرند. از آنجا که محیط پیرامون ما در حال تغییر و تحول دائمی است، سازمان‌ها نیز برای ادامه حیات می‌باید به طور مداوم خود را منطبق و هماهنگ با تغییرات محیطی نمایند. بنابراین، سازمانی موفق است که هرچه بیشتر و بهتر خود را با محیط و شرایط محیطی هماهنگ نماید. این امر نیاز به تصمیم‌گیری‌های به هنگام و مناسب مدیران داشته و رشد، موفقیت و شکست سازمان‌ها نتیجه تصمیم‌های مدیران در سازمان است (استوارت، ۱۳۹۰: ۳۷).

پلیس یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی مرتبط با مقوله پیشگیری از جرم و در راستای کاهش و پیشگیری از جرایم و ناامنی، رویکردهای مختلفی را تجربه کرده است. امروزه موفقیت سازمان‌های پلیسی جهان با رویکرد جامعه‌محوری در کنترل و پیشگیری از وقوع جرایم با همکاری و تعامل با مردم و سازمان‌های دولتی و خصوصی اثبات شده است. پلیس می‌تواند با شناسایی نقاط جرم‌خیز، آماج جرم و زمان وقوع جرایم، بر وضعیت و شرایط پیشین و حین ارتکاب جرم تأثیر گذاشته و فرصت‌های ارتکاب جرم را برای مجرمان کم یا دشوار کند. فرماندهان نیروی انتظامی، پیشگیری از وقوع جرم را باید با نگاه علمی و هوشمندانه و بر پایه واقعیت‌های موجود جامعه، مدیریت و هدایت نمایند. تصمیم‌گیری برای انتخاب تاکتیک‌ها و تکنیک‌های مناسب، یکی از مراحل اساسی در فرآیند مدیریت پیشگیری انتظامی است. پلیس، اصلی‌ترین منبع تأمین‌کننده نظم و امنیت است که در همه شیوه‌های پیشگیری از جرم نقشی بنیادین دارد. پس می‌بایست همگام با تغییرات پیش‌رفته و خود را با شرایط و تحولات جدید هماهنگ سازد.

امروزه مباحث مدیریتی به‌ویژه اصول و مبانی تصمیم‌گیری از جایگاه ویژه برخوردار بوده و روش‌های آن می‌توانند برنامه‌ریزان و مسئولان پلیس را به فراسوی روش‌های سنتی برنامه‌ریزی سوق داده و آن‌ها را در رویارویی با جرایم و رویدادهای بالقوه آینده آماده سازند (ذوالفقاری و

دیگران، ۱۳۹۵: ۴). مدیریت انتظامی تعریفی خارج از حوزه مدیریت نداشته و توجه ویژه به تصمیم‌گیری درست، به هنگام و اجرای سریع آن در مأموریت‌های محوله، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نظر به مسئولیت‌خطیر و ویژه نیروی انتظامی در عملیاتی‌کردن پیشگیری انتظامی از جرم، به پشتوانه قانون اساسی و قانون نیروی انتظامی، انجام چنین پژوهش‌هایی می‌تواند در کنار گردآوری و تولید مبانی نظری، مسئولین انتظامی را در برابر جرایم و رویدادهای سوء انتظامی برای گرفتن تصمیم مناسب و انجام هرچه بهتر وظایف یاری نماید. بنابراین پژوهش با استفاده از نظریه‌ها و الگوهای تصمیم‌گیری، نظرات خبرگان، کارشناسان و استادان حوزه پیشگیری انتظامی از جرم و مدیریت، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که الگوی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم چگونه است؟ در این راستا به دنبال شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم و تأثیر هر یک از این ابعاد و مؤلفه‌های تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم هستیم.

پیشینه پژوهش

با بررسی‌های به عمل آمده، درباره «الگوی تصمیم‌گیری در حوزه پیشگیری انتظامی از جرم» پژوهش‌های اندکی انجام شده است. ابراهیم‌زاده (۱۳۹۵)، در «تبیین برنامه‌ریزی مؤثر در مدیریت پیشگیری از جرم» به این نتیجه رسیده که ناکارآمدی روش‌های سرکوب‌گرانه در کنترل و مهار جرم و بی‌نظمی، موجب تدابیر پیشگیرانه به جای روش‌های سرکوب‌گرانه شده است. ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۵)، در «طراحی و تدوین الگوی مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم»، نشان داد که اقدام‌های مرتبط با پیشگیری وضعی شش شاخص، اقدام‌های مرتبط با پیشگیری اجتماعی پنج شاخص و اقدام‌های مرتبط با پیشگیری کیفری سه شاخص دارند. اولویت هر یک از آن‌ها در پیشگیری وضعی، با اقدام‌های مشارکتی تعامل پلیس، در پیشگیری اجتماعی، تعامل با نهادهای فرهنگی و در پیشگیری کیفری، اقدام‌های اطلاعاتی-امنیتی پلیس است.

ملکی (۱۳۹۴) در پژوهش «آشنایی با فرآیند تصمیم‌گیری و انواع مدل‌های تصمیم‌گیری» به تعریف تصمیم‌گیری، سطوح، درجه‌ها و انواع تصمیم‌گیری برپایه اطلاعات زمان، موقعیت‌های تصمیم‌گیری و گام‌های تصمیم‌در چهار مرحله مرتبط پرداخت. همچنین در راستای تحقق اهداف مورد نظر، فرآیندهای تصمیم‌گیری را در درون و برون، رویکردهای تصمیم‌گیری در سه رویکرد و مدل‌سازی

برای تصمیم‌گیری‌های مورد نیاز را بررسی کرد. بغدادی (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه «تأثیر شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران بر عملکرد سازمان»، به این نتایج دست یافت که تصمیم‌گیری جوهره اصلی فعالیت‌های مدیران است. سبک تصمیم‌گیری مدیر می‌تواند تعیین‌کننده یک موفقیت یا شکست بزرگ برای سازمان باشد. هدف این پژوهش بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران بود.

رازینی و عزیزی (۱۳۹۳)، در پژوهش «طراحی الگوی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی» چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند: امکان، چستی و چگونگی تأثیر مبانی فکری و نظام ارزشی بر تصمیم‌گیری به عنوان جوهره فعالیت‌های مدیریت، موضوعی مهم است. اندیشه و رویکرد اسلامی بر فرآیند تصمیم‌گیری، تأثیر دارد. در این پژوهش بر امکان تأثیر اندیشه اسلامی بر موضوع تصمیم‌گیری سازمانی تأکید شده و در چارچوب نظریه داده بنیاد، عوامل مؤثر، متغیرهای زمینه‌ساز، متغیرهای بازدارنده و نتایج تصمیم‌گیری اسلامی شناسایی و با ادبیات دینی مقایسه شده است. صحرایی و فرجی (۱۳۹۳)، در پژوهش «نقش MIS در بهبود تصمیم‌گیری مدیران» به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از عوامل مهم در تصمیم‌گیری مدیران، اطلاعات است. داشتن اطلاعات دقیق، درست و به هنگام باعث بالا رفتن سرعت تصمیم‌گیری شده و از تصمیم‌گیری نادرست جلوگیری می‌کند. استفاده از سامانه مدیریت اطلاعات در شناسایی مسایل و مشکلات تأثیر داشته و بین میزان استفاده از سامانه اطلاعات مدیریت و بهبود وضعیت شناسایی و تعیین مسئله توسط مدیران، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین به کارگیری MIS و انتخاب بهترین گزینه توسط مدیران و فرماندهان ارتباط معناداری وجود دارد.

نالان احمدآباد (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه خود با عنوان «تصمیم‌گیری چند معیاره با روش چاکت انتگرال فازی» به این نتیجه دست یافت که یکی از مباحث اصلی در همه سیستم‌ها، تصمیم‌گیری است. تصمیم‌گیری در دهه‌های اخیر در بخش‌های مختلف دگرگونی‌های اساسی ایجاد کرده است. می‌توان گفت نبض اصلی همه سیستم‌ها تصمیم‌گیری است. رساله روئتل^۱ (۲۰۱۳)، «نوآوری پلیسی: افزایش تحقیق و تحلیل ظرفیت پلیس هوشمند» است. وی با اشاره به نوآوری‌های پلیسی در ۴۰ سال گذشته، جامعه‌محوری، مسئله‌محوری تا پلیس اطلاعات‌محور، می‌گوید، اثربخشی بسیاری از این نوآوری‌ها آزموده شده و آخرین نوآوری پلیسی «ابتکار پلیس هوشمند با طراحی سه مرحله‌ای» است. فلیکس ویتزمن و چراماک (۲۰۱۳)، در مقاله «استفاده از

1 -Roetl (2013)

برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای افزایش ماندگاری سازمان، به این نتیجه دست یافتند که میان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری با یادگیری سازمانی، آگاهی محیطی، توسعه منابع انسانی، مدیریت بحران و برنامه‌ریزی استراتژیک رابطه وجود دارد. بنابراین برنامه‌ریزی برپایه تصمیم‌گیری مفید با سناریوسازی مناسب می‌تواند به ماندگاری سازمان کمک کند.

چارچوب نظری

بنا به تعریف مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرایم، هر کاری که باعث کاهش بزهکاری، خشونت و ناامنی با مشخص کردن و حل کردن عوامل ایجادکننده این مشکلات به روش علمی شود؛ پیشگیری از جرم است. به دیگر سخن، هر رویه‌ای که اعمال شود و نتیجه آن نشان دهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده، آن رویه را می‌توان پیشگیری از جرم دانست (بیات و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۰). درباره انواع پیشگیری، تقسیم‌بندی‌های متفاوت با دیدگاه‌های مختلفی شده است. این تقسیم‌بندی‌ها تنها نظری نیستند و به جنبه‌های متنوع مداخلات پیشگیرانه اشاره دارند. چنانکه مطابق معیار زمان مداخله، به دو گونه کُنشی (پیش از ارتکاب جرم) و واکنشی (پس از ارتکاب جرم)؛ بر اساس معیار سطح مداخله به سه دسته نخستین (برای همگان)، دومین (برای افراد آسیب‌پذیر) و سومین (برای افرادی که مرتکب جرم شده‌اند)؛ مطابق معیار قلمرو مداخله به دو دسته عمومی (با تمرکز به عوامل عمومی جرم) و اختصاصی (با تمرکز بر علل اختصاصی جرم)؛ بر اساس معیار سازمان مداخله‌کننده، به سه گونه اجتماعی (نهادهای دولتی و غیردولتی فعال در مسایل اجتماعی)، انتظامی (نهاد پلیس) و قضایی (مراجع رسیدگی‌کننده به جرم) و مطابق نوع مداخله به کیفری (با سازوکارهای نظام عدالت کیفری) و غیرکیفری (با سازوکارهای خارج از نظام عدالت کیفری) دسته‌بندی می‌شود (عباچی، ۱۳۸۷: ۶۷). در تقسیم‌بندی‌های نوین، پیشگیری از جرایم از دید رویکردی شامل پیشگیری کیفری و غیرکیفری است. پیشگیری کیفری خود به پیشگیری عام و خاص و پیشگیری قضایی و انتظامی و پیشگیری غیرکیفری به پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی تقسیم می‌شود.

پیشگیری انتظامی، مهار و کنترل جرم با اقدامات پلیسی مانند افزایش گشت‌های انتظامی و حضور ملموس و مؤثر پلیس در سطح شهر برای جلوگیری از اعمال مجرمانه و کاهش تکرار جرم در چارچوب قانون، بررسی روند بزهکاری و علل وقوع آن برای تدابیر مقابله با مجرم، انجام

اقدامات فوری در امر مبارزه با بزهکاری و جرایم و همکاری با ارگان‌های مسئول در زمینه کاهش جرایم است (میرزایی مطلق، ۱۳۸۱: ۲). پلیس یکی از متولیان امنیت عمومی و مهمترین وظیفه آن پیشگیری انتظامی است. پیشگیری انتظامی حافظ نظم و امنیت اجتماعی است. اجتماع، همزمان سرچشمه جرم، قربانی جرم و حامی عاملان اجرای قانون است که درصدد کنترل جرم هستند. بنابراین کشف و پیشگیری موفقیت‌آمیز جرم به نوعی به ارتباط خلاق میان اجتماع و مأمورین امنیتی و انتظامی بستگی دارد (بیات و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۵).

پلیس جامعه‌محور، از مفاهیمی است که در حوزه علوم پلیسی، توسعه روزافزونی یافته و مفهوم جدیدی از آن ارائه شده است. پلیس برای اداره امور پلیسی و مدیریت جامعه باید از سرمایه‌های اجتماعی و دیگر منابع در ابعاد گوناگون بهره گیرد. مشارکت و نظارت مردم در امور پلیسی از بارزترین نمادهای آن است. پلیس جامعه‌محور به تغییر و تحولات توجه ویژه‌ای دارد (قهرمانی، ۱۳۹۱: ۴۵). در این رویکرد پلیس خود را بخشی از جامعه می‌داند و تلاش می‌کند با جلب همکاری اقشار اجتماعی به پیشگیری از جرم بپردازد. رویکرد پلیس جامعه‌محور با سه رکن شناخته می‌شود: نخست، دخالت دادن جامعه در تعیین اولویت‌ها و انتخاب تاکتیک‌های پیشگیرانه و اجرای آن‌ها؛ دوم، مسئله‌محوری و برخورد ریشه‌ای با پدیده بزهکاری و ناامنی و شناسایی علل رویدادهای مجرمانه تا تاکتیک‌های مناسب برای برخورد با این علل و عوامل و سوم، تمرکززدایی که راهبردی سازمانی است و با اعطای استقلال عمل، انعطاف و چابکی را برای هماهنگی پلیس با بایدهای جامعه محلی فراهم کند. با اجرای پلیس جامعه‌محور، حضور مشهود پلیس در جامعه، اطلاع‌رسانی به جامعه و ایفای نقش مربی و الگو برای جامعه، حمایت از بزه‌دیدگان و کمک به مشارکت‌های مردمی به دست می‌آید (محمدنسل، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

«فریدمن^۱» پلیس جامعه‌محور را عبارت از راهبرد و خط‌مشی، با هدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرایم، کاهش ترس از جنایت، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس با تکیه بر منابع جامعه می‌داند که درصدد تغییر شرایط جرم‌خیز هستند (تریانویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳: ۱۹). ویژگی‌ها و شاخص‌های پلیس جامعه‌محور، نقطه مقابل ویژگی‌های رویکرد تهدیدمحوری است. در تهدیدمحوری مقابله با مجرم اصل و شیوه کار پلیسی است. ابزار پلیس برای تأمین امنیت، تجهیزات و در بهترین شرایط تخصص حرفه‌ای پلیس است

که پس از وقوع جرم به کشف و دستگیری مجرم می‌انجامد. در حالی که جوهر و اساس رویکرد پلیس جامعه‌محور، برپایه حل مسئله و تقدم پیشگیری بر کارکرد واکنشی پس از جرم است و بر مشارکت فعالانه مردم توجه دارد. به عبارتی، همکاری پلیس و جامعه در کاهش جرایم و همچنین حرکت و عبور از شیوه سنتی و واکنشی، به سوی شیوه فعال برپایه حل مسئله و تصمیم‌گیری، دو ویژگی اساسی پلیس جامعه‌محور است (عبدی، ۱۳۸۳: ۲۱).

هرمن گلدشتاین^۱ در سال ۱۹۹۰، در کتاب «پلیس مسئله‌محور»، الگویی را برای امور پلیسی طراحی و ارائه نمود که به شدت تحت تأثیر «نظریه تصمیم‌گیری» بود. برداشت گلدشتاین شامل یک فرآیند منطقی و معقول تصمیم‌گیری است که مواردی مانند تشخیص و تعریف مسئله، تدوین اقدامات عملی جایگزین، گزینش و پیاده کردن مناسب‌ترین برنامه عملی و در نهایت ارزیابی اقدامات بعدی را در برمی‌گیرد. گلدشتاین پیشنهاد می‌کند که پلیس افزون‌بر حل و فصل رویدادها باید آن‌ها را تحت عنوان مسایل و مشکلات، دسته‌بندی و به طور منظم علل زیربنایی مؤثر در مشکلات را تحلیل و با نوآوری مناسب، از وقوع این رویدادها پیشگیری نماید. با چنین اقداماتی، پلیس مشکل‌گشا می‌تواند در راستای کاهش جرم، بی‌نظمی و ترس از وقوع جرم، به اهداف بلندی دست یابد (میس و اورت‌مایر، ۱۳۸۵: ۲۹۰).

شاسل^۲ و همکاران، در کتاب «عدم اطمینان و تصمیم‌های بازرگانی»، «تصمیم‌گیری» را عبارت از ترکیب دانش، فکر، احساس و تصور قابل اجرا تعریف می‌کنند. تصمیم‌گیری، انتخاب یک راهکار از میان دو یا چند راهکار است. یک تصمیم، انتخاب یک راهکار یا اقدام از میان مجموعه‌ای از اقدامات ممکن و جانشین‌های دیگر است (باقریان، ۱۳۸۰: ۱۱). تصمیم‌گیری فراگردی است که با آن، راهکار مسئله معین انتخاب می‌شود. فرآیند انتخاب، مجموعه فعالیت‌هایی است که به گزینش یک راهکار، از بین مجموعه راهکارها بیانجامد. بنابراین فراگرد گزینش جزئی از فراگرد تصمیم است (رضاییان، ۱۳۹۰: ۲۹). از آنجا که تصمیم‌گیری از حساس‌ترین وظایف مدیران سازمان‌ها است، آن‌ها همواره با مسئله انتخاب در سازمان روبه‌رو هستند. برای دستیابی به انتخاب مطلوب باید مراحل به طور همزمان یا پی‌درپی سپری شود که تصمیم‌گیری نامیده می‌شود (حمیدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱).

برای پاسخ به این پرسش که مدیران چه کاری انجام می‌دهند، مطالعات گسترده‌ای انجام گرفته

2. Herman Goldstetin

3. shacel

که از جمله آن‌ها می‌توان به نظریات چستر بارنارد، هنری میتزبرگ، جان کاتر، رابرت کوئین، فرد لوتانز و گاری یوکی اشاره کرد. آن افراد باور داشتند برای تعیین شایستگی‌ها و توان مدیران باید دید آن‌ها چه نقش‌هایی در سازمان‌ها دارند و وظایف مدیریتی و نقش‌هایی که مدیر در قالب آن‌ها به اجرای وظایف خود می‌پردازد، کدام است (بختیاری، ۱۳۹۴: ۹۵). میتزبرگ برای رفتار مدیران ده نقش مدیریتی معرفی کرد. وی باور داشت با آنکه سازمان‌ها و مدیران متفاوتند، نقش‌های مدیران یکسان هستند. میتزبرگ این ده نقش را در سه گروه نقش‌های ارتباطی، اطلاعاتی و تصمیم‌گیری طبقه‌بندی کرده است (عباس‌زادگان، ۱۳۸۷: ۴۶). گاری یوکی^۱ برای مدیران یازده نقش قابل است که شامل ۱- شبکه‌سازی؛ ۲- حمایت؛ ۳- گروه‌سازی؛ ۴- انگیزش؛ ۵- تشویق؛ ۶- برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی؛ ۷- حل مسایل؛ ۸- مشورت؛ ۹- مراقبت از عملیات؛ ۱۰- اطلاع‌رسانی و ۱۱- شفاف کردن اهداف (بختیاری، ۱۳۹۴: ۱۰۸). لیند بلوم^۲، فرآیند تصمیم‌گیری را به صورت رویشی توصیفی و الگویی توصیفی در سه مرحله ۱- شناسایی برپایه ارتباط و ارزیابی وضعیت‌های درونی و برون سازمانی؛ ۲- شناسایی و طراحی راهکارها، صورت‌بندی و ارزیابی آن‌ها و ۳- انتخاب راهکار مناسب و اجرای آن، ارائه داده است. کالینگ ریچ^۳ نیز تصمیم‌گیری کارا را، کاوش برای روبه‌رو شدن با خطا و رغبت به پاسخ‌گویی به اکتشاف می‌داند (حمیدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲).

برای تصمیم‌گیری مراحل است: ۱- شناسایی وضعیت: تعریف مسئله، شناسایی اهداف تصمیم و تشخیص علل مسئله؛ ۲- ایجاد بدیل: یکی از راهبردهای ذهن انسان چنگ زدن به اولین بدیل به عنوان آخرین بدیل است. این خطا درباره انتخاب راهکارها نیز رخ می‌دهد. در این مرحله باید تا جای ممکن به تولید هرچه بیشتر بدیل‌ها پرداخت و کمیت نسبت به کیفیت اولویت دارد. فونونی مانند طوفان مغزی کمک شایانی در به دست آمدن هرچه بیشتر بدیل‌ها می‌کند؛ ۳- ارزیابی و انتخاب: با توجه به اهداف از پیش تعیین شده و قابلیت‌های سازمان، ارزیابی بدیل‌ها آغاز می‌شود. برخی از بدیل‌ها مطلوبیت بالایی دارند؛ ۴- پیگیری و اجرا: با بهترین گزینش، پرونده مسئله و فرآیند تصمیم‌گیری بسته نخواهد شد. زیرا ممکن است مسئله به خوبی شناخته نشده باشد. پس راهکارها به رفع عارضه‌ها و نه به حل بنیادی مسئله کمک می‌کنند؛ ولی در بیشتر زمان‌ها برای یک تصمیم مناسب نیاز است که تصمیم‌گیرنده فرآیند تصمیم‌گیری (شناسایی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی، انتخاب

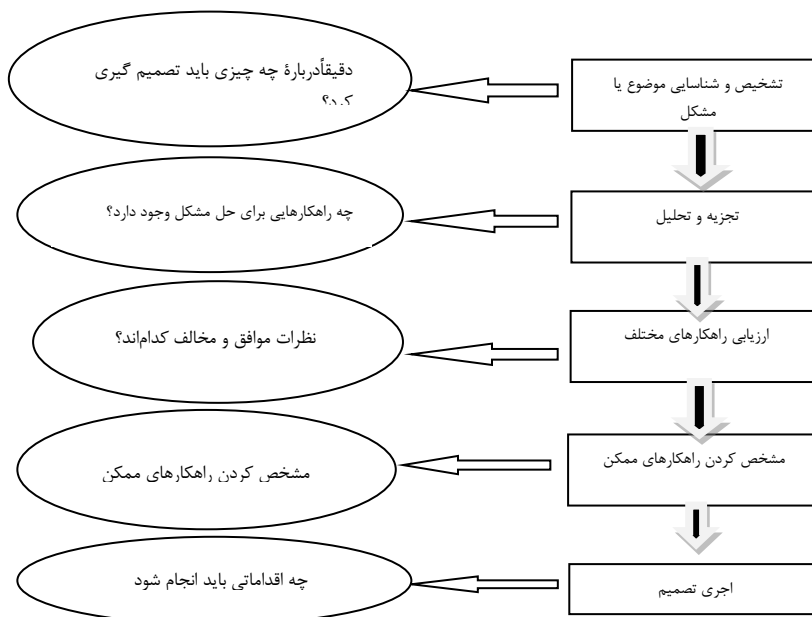
1 - Gary

2 - Lindblom

3 - Calengridh

و برنامه‌ریزی) را گام‌به‌گام سپری کند (رضاییان، ۱۳۹۰: ۱۶۶). کارشناسان دربارهٔ مراحل فرآیند تصمیم‌گیری نظرات متعددی دارند. می‌توان گفت مراحل تصمیم‌گیری دست‌کم سه و حداکثر نه مرحله است (جدول شماره ۱).

شکل شماره ۱: فراگرد تصمیم‌گیری (روبرت و لوی، ۱۹۸۵: ۲۲).



دیدگاه	گام نخست	گام دوم	گام سوم	گام چهارم	گام پنجم	گام ششم	گام هفتم	گام هشتم	گام نهم
۳ مرحله‌ای (میتزبرگ، هیو پرو سامیون)	شناسایی، تعریف مسئله	طراحی و ایجاد راهکارها	انتخاب و گزینش راهکارها						
۴ مرحله‌ای (کوئیز و دیگران)	شناسایی مسئله	تعیین راهکارها	ارزیابی راهکارها	انتخاب راهکارها					
۵ مرحله‌ای (کافمن)	شناسایی مسئله	تعیین راهکارها	انتخاب یک راهکار	اجرای راهکار	تعیین اثر بخشی				
۶ مرحله‌ای	تحلیل	هدف‌گذاری	جستجوی	اجرای	گزینش	ارزیابی			

			راهکار	یک راهکار	راهکار	راهکارها		موقعیت	(مورس و ساشکین)
		انخذ تصمیم	سنجش	تعیین اهمیت	برآورد تمالات	اثرات	تعیین راهکارها	تعیین مسئله	۷ مرحله‌ای (کست و روزن زیک)
	ارزیابی تصمیم	به کار بستن تصمیم	انتخاب بهترین راهکار	ارزیابی راهکار	گردآوری اطلاعات	خلق راهکارها	تعیین اهداف و مقاصد	رویارویی با مسئله	۸ مرحله‌ای (رلینز و فلانمن)
ارزیابی نتایج	اجرای راهکار برگزیده	انتخاب راهکار	ارزیابی راهکارها	گردآوری اطلاعات درباره راهکارها	تعریف راهکارها	تعیین ملاک‌های ارزیابی	تحلیل و ارزیابی مسئله	تعریف و تحدید مسئله	۹ مرحله‌ای (گریفس)

جدول شماره ۱: مراحل فرآیند تصمیم‌گیری از دیدگاه کارشناسان (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۱).

درباره محیط و تأثیر آن بر افراد و سازمان‌ها نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. افراد و سازمان‌ها پیوسته در تعامل با محیط دو چیز را با یکدیگر مبادله می‌کنند. بی‌ثبات و یا باثبات دانستن محیط برپایه برداشت افراد است. عواملی که بر نحوه برداشت افراد از محیط مؤثرند، عبارت است از: ۱- تعداد عناصر و عوامل موجود در محیط؛ ۲- تنوع و گوناگونی عناصر و عوامل محیطی؛ ۳- تغییر و تحول عناصر و عوامل محیطی و ۴- قابلیت پیش‌بینی عناصر و عوامل طبیعی (باقریان، ۱۳۸۰: ۶۸). برای تشخیص نوع و ماهیت تصمیم و تعیین سطح مدیریتی مسئول آن به چهار ملاک نیاز است:

الف: تصمیم‌ها از حیث مراحل و چگونگی اخذ آن‌ها (تازگی یا تکراری بودن تصمیم): تصمیم‌های برنامه‌ریزی شده معمول که بر حسب عادت، قوانین و رویه‌های معین گرفته می‌شوند (رضاییان، ۱۳۹۰: ۱۵۶) و تصمیم‌های برنامه‌ریزی نشده غیرمعمول که درباره مسایل جدید، غیرمعمول، تازه و ویژه گرفته می‌شوند (همان: ۱۶۰).

ب: تصمیم‌ها از حیث موقعیت‌ها و شرایط تصمیم‌گیری (میزان دخالت زمان آینده در تصمیم): ۱- موقعیت اطمینان «یقین»: در این وضعیت می‌توان نتایج هر کدام از وجوه تصمیم را پیش‌بینی کرد و اطلاعات کامل، ریز، درست، سنجش‌پذیر و قابل اطمینان برای تصمیم‌گیری وجود دارد. تصمیم‌گیری در این موقعیت آسان و نتایج قابل پیش‌بینی است؛ ۲- موقعیت مخاطره «ریسک»: در این وضعیت پیش‌بینی نتایج کمتر از موقعیت اطمینان است و میزان احتمالی که به وقوع هر یک از نتایج داده می‌شود معین است. یعنی اطلاعات کامل و دقیق در دست نیست و

فقط به سبب احتمال می‌توان وقوع نتایج را معین نمود؛ ۳- موقعیت عدم اطمینان: در این نوع از موقعیت نتایج غیرقابل پیش‌بینی است و هیچ‌گونه اطلاعاتی در دست نیست و یا خیلی ناچیز است. در این حالت احتمال برای نتایج همه راهکارها یکسان فرض می‌شود و براساس ارزش مورد انتظار تصمیم‌گیری می‌شود. در این تصمیم‌گیری‌ها بیشترین احتمال شکست تصمیم‌ها وجود دارد (همان: ۱۶۱).

ج: تصمیم‌ها از حیث سطوح مدیریتی مرتبط با آن (دامنه امور و فعالیت‌هایی که تصمیم بر آن‌ها مؤثر است): همه مدیران بدون توجه به سطح مدیریتی آن‌ها در ساختار سازمان باید تصمیم‌هایی را بگیرند. هر کدام از مدیران بسته به ماهیت مسایل فراروی آن‌ها شیوه و تفکری ویژه در حل مشکلات و مسایل دارند. لذا تصمیم‌ها با توجه به رابطه آن‌ها به سطوح مدیریتی که آن‌ها را می‌گیرند به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- تصمیم‌های استراتژیک؛ ۲- تصمیم‌های اداری یا رده میانی؛ ۳- تصمیم‌های عملیاتی (همان: ۱۶۲).

جدول شماره ۲: نگرش‌های تصمیم‌گیری از تیلور^۱ (۱۹۹۹)

نگرش	تلفی از تصمیم	هدف تصمیم‌گیری	مشخصه اصلی تصمیم
فلسفی	ملاک خوبی	یقین خوب یا بد بودن یک پدیده	بایستی ملاک مناسبی جهت سنجش پدیده‌ها باشد.
اقتصادی	عامل مطلوبیت	افزایش مطلوبیت	بهبودسازی مطلوبیت فاکتورهای اقتصادی
مذهبی	عامل صلاح	قرب الهی	تصمیم در راه رشد و تعالی فرد اخذ شود
سیاسی	عامل سرنوشت‌ساز	حفظ و ارتقاء مناسبات سیاسی	تصمیم بایستی برای حفظ منافع باشد
مدیریتی	وظیفه مدیر	حفظ، توسعه و بهبود سازمان	تصمیم بایستی ضامن حفظ، توسعه و بهبود سازمان باشد

مفهوم‌شناسی الگو

الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده‌شده از جهان واقعی است (الوانی، ۱۳۸۷: ۱۸). الگو نمونه کوچکی از یک شی بزرگ یا به مجموعه محدودی از اشیای بی‌شمار است که ویژگی‌های مهم و اصلی آن شی بزرگ یا اشیای را داشته باشد (شعبانی، ۱۳۸۵: ۲۱۸). الگو، بیان یک یا چند واقعیت مرتبط به هم توسط نمادهای مختلف گفتاری، نوشتاری، ترسیمی، فیزیکی و مانند این‌هاست (نوری و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۹). الگو به ما کمک می‌کند که به متن و درون پدیده‌هایی که نمی‌توانیم مستقیماً آن‌ها را ببینیم هدایت شویم. الگو، جزیی کوچک یا بازسازی کوچکی از یک

1 - Taylur (1999)

شی بزرگ است که از لحاظ کارکرد با شی واقعی یکسان است (گرجی، ۱۳۸۸: ۳۳). استفاده از الگو به درک بهتر نظریه کمک می‌کند؛ ولی باید هنگامی از این قاعده استفاده کرد که نظریه به قدر کافی گویا نباشد و الگو گویاتر از آن باشد. اسپنسر^۱ معتقد بود که همه بخش‌های جهان (فیزیکی، زیست‌شناسی و اجتماعی)، برطبق اصول همسان تکامل می‌یابند، الگوها امکان محدوده‌ای از پیش‌بینی‌ها را می‌دهد که می‌توان آن‌ها را با آزمون‌ها تأیید کرد (ترنینکو، ۱۳۸۹: ۲۹). الگو مفهوم گسترده‌تری از مدل دارد که در علوم تربیتی، اجتماعی و روان‌شناسی کاربرد فراوان دارد. مدل باید چنان ساخته شود که بی‌درنگ همه پدیده‌های مشاهده‌شده را قابل فهم سازد. از سوی دیگر تعریف مدل‌ها باید صریح و جامع باشد تا عملیات ریاضی روی آن‌ها امکان‌پذیر شود؛ ساخت مدل‌ها نیز به هیچ‌وجه نباید پیچیده باشد (دیوید، ۱۳۹۰: ۴۴). مهمترین مدل‌های سه‌گانه تصمیم‌گیری در جدول شماره ۳، نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: مدل‌های سه‌گانه تصمیم‌گیری (الوانی، ۱۳۸۷: ۲۱)

موضوع	مدل عقلایی و تعدیل شده	مدل سیاسی و قدرت پایه	مدل آشفته
سازمانی	مجموعه‌ای از افراد و ابزار که برای نیل به اهداف مشخصی فعالیت می‌کنند	مجموعه‌ای از ائتلاف‌ها میان افرادی که دارای اهداف و منافع متفاوتند	مجموعه‌ای از بی‌نظمی‌های سازمان یافته

بررسی سیر تکوینی فرآیند تصمیم‌گیری را می‌توان با مطالعه مدل‌های تصمیم‌گیری نیز انجام داد؛ زیرا جنبه‌های میان رشته‌ای تصمیم‌گیری با مدل‌سازی و چارچوب‌دهی بیشتر قابل بررسی، فهم و توضیح است. هاریون^۲، چهار مدل مهم در تصمیم‌گیری، یعنی مدل‌های عقلانی، سازمانی، سیاسی و فرآیندی را بررسی کرده است. معیار تصمیم‌گیری اولیه برای هر مدل، عناصر سازنده اصلی و سپس فرضیات اساسی آن است. به تعبیر وی معیارهای تصمیم‌گیری اولیه در مدل عقلایی، بهینه‌سازی، در مدل سازمانی، نیل به رضایت‌مندی، در مدل سیاسی، مقبولیت، در مدل تدریجی، اثربخشی و در مدل فرآیندی، نتیجه‌مداری است (الوانی، ۱۳۸۷: ۲۲). از سوی دیگر، مدل‌ها انواع بسیاری دارند؛ مانند مدل‌های کلامی، ترسیمی، تجسمی (سه بعدی) و ریاضی که هر کدام به اقسام دیگری نیز تقسیم می‌شوند. برای نمونه، مدل‌های کلامی را می‌توان به مدل‌های تشریحی، قیاسی و

1-Spenser
2- Haruon(2010)

علت و معلولی تقسیم کرد. هر یک از این مدل‌ها به گونه‌ای روابط و آثار اجزا مختلف پدیده‌ها را نشان می‌دهند و در موارد مختلف کاربرد دارند. ترکیب مدل‌های مذکور نیز در بیشتر موارد می‌تواند وسیله مؤثرتری برای تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری باشد (باقریان، ۱۳۸۰: ۷۳).

در این مقاله، چهارچوب نظری، برگرفته از مدل هفت مرحله‌ای کست و روزن زیگ است. ایشان مراحل تصمیم‌گیری را تعیین مسئله، تعیین راهکارها، اثرات، برآورد، اهمیت، سنجش و اخذ تصمیم به عنوان ابعاد تصمیم‌گیری می‌دانند. بعد هشتم پژوهش «ارزیابی تصمیم» برگرفته از مدل هشت مرحله‌ای راینز و فلدمن است. این گروه به هشت مرحله تصمیم‌گیری شامل رویارویی با مسئله، تعیین اهداف و مقاصد، خلق راهکارها، گردآوری اطلاعات، ارزیابی، راهکار، انتخاب بهترین راهکار، به کار بستن تصمیم و ارزیابی تصمیم باور دارند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، آمیخته (کیفی، کمی) بوده و با تکنیک‌های گردآوری شامل مصاحبه، پرسشنامه و مطالعه کتابخانه‌ای است. نخست با مطالعه کتابخانه‌ای گزاره‌های نامرتبط که با شرایط مورد مطالعه هم‌خوانی ندارند حذف و گزاره‌های جدید مورد نیاز متناسب با شرایط مورد مطالعه افزوده شد. سپس از ابزار مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته تا حد اشباع نظری به تعداد ۳۲ نفر بهره گرفتیم تا پس از تجزیه و تحلیل، ابعاد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های این پژوهش استخراج و ارائه شود. در ادامه برپایه نتایج خروجی حاصل از مطالعات مرحله اول، گزاره‌های مورد نظر برای طراحی ابزار سنجش در مرحله دوم (مطالعه کمی) فراهم و با استفاده از ابزار پرسشنامه و مراجعه به جامعه آماری به تعداد ۱۲۳ نفر از کارشناسان مرتبط با موضوع بهره‌گیری و الگوی پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی طراحی شد. تحلیل عاملی تأییدی زمانی استفاده می‌شود که پژوهشگر دانش زیادی از سازه مکنون زیربنایی دارد. پژوهشگر بر اساس دانش نظری، میدانی، تجربی و مطالعات پیشین، فرض می‌کند بین متغیرهای مشاهده شده و عامل‌های بنیادی رابطه وجود دارد و سپس به آزمون این فرض می‌پردازد. در تحلیل عاملی تأییدی، پژوهشگر به دنبال تهیه مدلی است که فرض می‌شود داده‌های تجربی را برپایه چند پارامتر اندک، توصیف یا تبیین می‌کند.

یافته‌های پژوهش

در بخش تحلیل داده‌های کیفی پژوهش از تحلیل مضامین استفاده شده و مراحل تحلیل داده-های کیفی در پاسخ به این پرسش که ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم کدامند، در سه مرحله بیان می‌گردد. در مرحله اول ثبت داده‌های اولیه کیفی و استخراج ۱۲۹ شاخص از مصاحبه با خبرگان به دست آمد؛ در مرحله دوم ۲۷ مؤلفه از شاخص‌های اولیه استخراج شد و در مرحله سوم، ۸ بُعد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم شناسایی و نام‌گذاری شد.

مرحله اول: نخست مصاحبه نیمه ساختاریافته با نخبگان حوزه رویکرد تصمیم‌گیری پلیس به روش کیفی انجام شد. سپس نتایج حاصله از مصاحبه برای هر پرسش پس از تحلیل محتوا توسط محقق درباره شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم در جدولی که بیانگر ابعاد اصلی پژوهش (مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم) بوده درج و مفاهیم اولیه‌ای که از تحلیل محتوا حاصل شده، ارائه و از کدگذاری باز استفاده و در نهایت ۱۲۹ شاخص اولیه استخراج و ثبت گردید.

مرحله دوم: در شناسایی مؤلفه‌های ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم، ابتدا باید از این مسئله اطمینان حاصل شود که می‌توان داده‌های موجود را برای تحلیل به کار برد یا به عبارتی، آیا تعداد داده‌های مورد نظر (اندازه نمونه و رابطه بین متغیرها) برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟ بنابراین از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده و براساس نتایج به دست آمده، شاخص KMO بزرگتر از ۰,۶ بوده و مقادیر نزدیک به یک را نشان می‌دهد که حاکی از کفایت حجم نمونه بر اساس شاخص‌های شناسایی شده برای تحلیل عاملی است. همچنین سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ برای آزمون بارتلت نیز نشان‌دهنده مناسب بودن متغیر پژوهش برای تحلیل عاملی است. پس از تبیین واریانس کل^۱ و درج مقادیر ویژه اولیه^۲ و مربع بارهای استخراج شده^۳ و مجموع مربع بارهای چرخش یافته^۴ با تبیین واریانس مؤلفه‌های مستخرجه از میان ۱۲۹ شاخص (گویه) موجود، ۲۷ مؤلفه مقادیر ویژه بزرگتر از یک دارند و ۷۷ درصد واریانس شاخص‌های

1-Total Variance Explained

2-Initial Eigenvalusee

3-Extraction Sums of Squared Loadings

4-Rotated Sums of Squared Loadings

مؤلفه‌های فعالیت‌های تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم را تبیین می‌کند.

مرحله سوم: با محاسبه کفایت حجم نمونه و بررسی کفایت و تقارن داده‌ها در شناسایی ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم، دوباره از شاخص **KMO** و آزمون بارتلت استفاده و بر اساس نتایج به دست آمده، شاخص **KMO** بزرگتر از ۰,۶ بوده و مقادیر نزدیک به یک را نشان می‌دهد که حاکی از کفایت حجم نمونه بر اساس شاخص‌های شناسایی شده برای تحلیل عاملی است. سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ برای آزمون بارتلت نیز نشان‌دهنده مناسب بودن متغیر پژوهش برای تحلیل عاملی می‌باشد؛ زیرا فرض یک بودن ماتریس همبستگی رد و در شناسایی ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی و روایی محتوا، روی ۲۷ مؤلفه شناسایی شده تحلیل عاملی اکتشافی انجام و با درج اشتراکات شاخص‌ها، تبیین واریانس کل، مجموع مربع بارهای استخراج و مجموع مربع بارهای چرخش یافته با تبیین واریانس مؤلفه‌های مستخرج هشت عامل اول مقادیر ویژه بزرگتر از یک دارند که در تحلیل باقی مانده و تقریباً ۷۴ درصد واریانس مؤلفه‌های تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم را تبیین می‌کند. برای پژوهش درباره ماهیت روابط بین متغیرها و نیز دستیابی به تعاریف و نامگذاری عامل‌ها، ضرایب بالاتر از ۰,۴ در تعریف عامل‌ها مهم و با معنی بوده و ضرایب کمتر از این حدود به عنوان عامل تصادفی در نظر گرفته شده است. همچنین نمودار سنگریزه، مؤید نتایج فوق است. برای تعیین اعتبار بخشی نتایج به دست آمده، افزون‌بر ارائه نتایج به اساتید و خبرگان دانشگاهی و نظرخواهی دوباره از آن‌ها، با نتایج پژوهش‌های گذشته نیز مقایسه شد.

ابعاد هشت‌گانه با ۲۷ مؤلفه در الگوی تصمیم‌گیری پیشگیری انتظامی از جرم بر اساس ادبیات نظری، پیشینه و مصاحبه انجام گرفته شناسایی و نام‌گذاری گردید.

جدول شماره ۴: ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده بعد از استفاده از ادبیات موجود و مصاحبه با نخبگان

شماره	نام بعد	تعداد مؤلفه	مؤلفه‌ها
۱	تعیین و تشخیص مسئله	۴	تشخیص موضوعی، تشخیص زمانی، تشخیص محلی، تشخیص فاعلی
۲	مشخص کردن اهداف	۴	شناخت اهداف، اهداف کوتاه‌مدت، اهداف میان‌مدت، اهداف بلندمدت
۳	گردآوری اطلاعات	۳	شناسایی نحوه گردآوری، گردآوری درون سازمانی، گردآوری درون سازمانی
۴	تعیین راهکارها	۳	شناسایی و تشخیص راهکارها، راهکار باسابقه، راهکار بدون سابقه

۵	ارزیابی راهکارها	۴	ارزیابی موضوعی، ارزیابی امکاناتی، ارزیابی قابل اجرا بودن، ارزیابی اهداف
۶	انتخاب راهکار	۳	انتخاب اقتضایی، انتخاب بافرصت، انتخاب بدون فرصت
۷	اجرا	۳	اجرای اقتضایی، اجرا بافرصت، اجرا بدون فرصت
۸	ارزیابی	۳	ارزیابی رویکردی، ارزیابی ساختاری، ارزیابی امکاناتی

پس از شناخت و بررسی مؤلفه‌های مطرح شده در ابعاد هشت‌گانه تصمیم‌گیری، باید پاسخگوی دیگر پرسش فرعی پژوهش بود که تأثیر هر یک از این ابعاد و مؤلفه‌های تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم چه میزان است؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش ابتدا به ذکر میزان فراوانی با درصد مربوطه اشاره و در ادامه جمع‌بندی تأثیر مؤلفه‌های کنترل و ارزیابی درج و در پایان با آزمون فریدمن تأثیر مؤلفه‌های کنترل و ارزیابی بر تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم و همچنین آزمون T تک‌نمونه‌ای محاسبه گردید. بررسی میزان تأثیر این ابعاد بر تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم به شرح جدول شماره ۵، مشخص و میزان این تأثیرپذیری در حد خیلی زیاد عبارتند از: تعیین و تشخیص مسئله ۸۳٫۳٪؛ مشخص کردن اهداف ۸۱٫۶۵٪؛ گردآوری اطلاعات ۷۹٫۵٪؛ تعیین راهکارها ۷۹٪؛ ارزیابی راهکار ۷۸٫۴٪؛ انتخاب راهکار ۷۸٫۱٪؛ اجرا ۷۸٫۱٪ و ارزیابی ۷۸٪. چنانکه نتایج فوق نشان می‌دهد، از نظر بیشتر پاسخ‌گویان یعنی ۸۳٪ بعد تعیین و تشخیص مسئله با حد خیلی زیاد ارزیابی و بعد ارزیابی با ۷۸٪ درصد خیلی زیاد با میزان تأثیرگذاری اول و هشتم قرار گرفته و میزان تأثیر هر یک از ابعاد دیگر تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم است.

جدول شماره ۵: جمع‌بندی بررسی میزان تأثیر هر یک از ابعاد تصمیم‌گیری

در پیشگیری انتظامی از جرم (تأثیرپذیری)

ردیف	مقوله	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	تعیین و تشخیص مسئله	۱٫۷۵	۲	۶٫۲۵	۸٫۵	۸۳٫۳
۲	مشخص کردن اهداف	۱٫۶	۱٫۷۵	۵	۱۰	۸۱٫۶۵
۳	گردآوری اطلاعات	۲٫۴	۱٫۳۳	۴٫۸	۱۱٫۹	۷۹٫۵
۴	تعیین راهکارها	۲٫۴	۱٫۶	۴٫۸	۱۲	۷۹
۵	ارزیابی راهکار	۲٫۴	۱٫۶	۴٫۸	۱۲٫۷	۷۸٫۴
۶	انتخاب راهکار	۲٫۴	۱٫۶	۴٫۸	۱۲٫۷	۷۸٫۱
۷	اجرا	۲٫۴	۱٫۷	۴٫۸	۱۲٫۶	۷۸٫۱
۸	ارزیابی	۲٫۴	۲٫۴	۴٫۵	۱۲٫۶	۷۸

با کمک آزمون فریدمن رتبه‌هریک از ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم سنجیده شد که عبارتند از: تعیین و تشخیص مسئله ۳,۷۳؛ مشخص کردن اهداف ۳,۷۰؛ گردآوری اطلاعات ۳,۶۷؛ تعیین راهکارها ۳,۶۵؛ ارزیابی راهکار ۳,۶۳؛ انتخاب راهکار ۳,۴۸؛ اجرا ۳,۴۷ و ارزیابی ۳,۴۳. رتبه‌بندی فریدمن نشان می‌دهد که بعد تعیین و تشخیص مسئله در رتبه اول قرار داشته و پس از آن به ترتیب سایر ابعاد شامل: مشخص کردن اهداف، گردآوری اطلاعات، تعیین راهکارها، ارزیابی راهکار، انتخاب راهکار و اجرا قرار دارد. رتبه آخر به بعد ارزیابی در پیشگیری انتظامی از جرم تعلق گرفته که در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول شماره ۶: رتبه‌بندی ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم

ردیف	بعد	میزان تأثیر
۱	تعیین و تشخیص مسئله	۳,۷۳
۲	مشخص کردن اهداف	۳,۷۰
۳	گردآوری اطلاعات	۳,۶۷
۴	تعیین راهکارها	۳,۶۵
۵	ارزیابی راهکار	۳,۶۳
۶	انتخاب راهکار	۳,۴۸
۷	اجرا	۳,۴۷
۸	ارزیابی	۳,۴۳

براساس نتایج به دست آمده از داده‌های کیفی و کمی بعد تعیین و تشخیص مسئله در مدل تصمیم‌گیری پیشگیری انتظامی از جرم دارای بیشترین بارهای عاملی استاندارد و مقدار t است که این خود نشانگر آن است که از نظر جامعه آماری در سطح عملیاتی پژوهش با شناخت و اقدام به هنگام در این بعد از الگو می‌توان در رسیدن به نتایج مورد نظر که همان پیشگیری انتظامی از جرم است، موفقیت بهتری حاصل نمود؛ زیرا به نظر جامعه آماری مهمترین و مؤثرترین گام در تصمیم‌گیری پیشگیری انتظامی از جرم را می‌توان در شناسایی و توجه اولیه به مباحث جرم دانست. باید اذعان داشت بر اساس مدل‌های پیشگیری از جرم که در ادبیات پژوهش به آن‌ها پرداخته شد، پیشگیری از جرم را می‌توان به انواع مختلف تقسیم کرد. از دیدگاه نحوه عمل، آن را به فعال و انفعالی، از زمان اجرا، به کوتاه و بلندمدت، از دید سطح‌بندی به اولیه، ثانویه و ثالث و از دیدگاه رویکردی به کیفی و غیرکیفی. برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، از مدل تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردیده است. این مدل برپایه اطلاعات پیش تجربی درباره ساختار داده‌هاست. لذا

اقدامات و مراحل انجام شده درباره پاسخ به این پرسش در دو مرحله مشخص و به شرح زیر آمده است:

مرحله اول شاخص‌های برازش تحلیل مسیر مدل؛

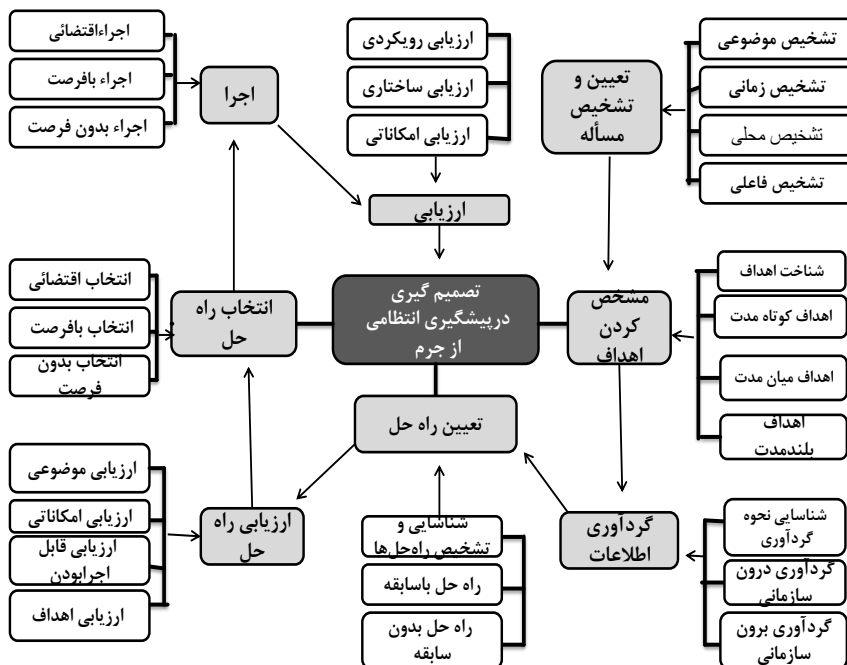
مرحله دوم برآوردهای مربوط به هر یک از ابعاد مدل.

در مرحله اول با بررسی و تحلیل شاخص‌های مورد نظر و مشخص نمودن حد مجاز و مقدار هر یک از شاخص‌های پنج‌گانه شامل (ریشه میانگین خطای برآورد، برازندگی تعدیل یافته، برازندگی نرم شده، نیکویی برازش، نیکویی برازش تعدیل شده)، مشخص گردید کلیه شاخص‌های برازش مدل در وضعیت مطلوبی قرار گرفته به نحوی که همه این شاخص‌ها در حد مجاز قرار گرفته است. در مرحله بعد برای اجرای مدل، هر یک از ابعاد، برآورد ضرایب استاندارد مسیرها به همراه بار عاملی هر یک از متغیرها را محاسبه و با توجه به پذیرش کلیه مقادیر پارامترهای مربوط به تصمیم‌گیری از لحاظ ضرایب مسیر و مقدار t (ابعاد هشت‌گانه شامل: تعیین و تشخیص مسئله، مشخص کردن اهداف، گردآوری اطلاعات، تعیین راهکارها، ارزیابی راهکارها، انتخاب راهکار، اجرا/ارزیابی) در پیشگیری انتظامی از جرم و بارهای عاملی استاندارد شده برای مؤلفه‌های مربوط به ابعاد هشت‌گانه در تصمیم‌گیری پیشگیری انتظامی از جرم مشخص گردید.

بارهای عاملی استاندارد شده و مقدار t برای همه مؤلفه‌های ۲۷ گانه (تشخیص موضوعی، تشخیص زمانی، تشخیص محلی، تشخیص فاعلی، شناخت اهداف، اهداف کوتاه‌مدت، اهداف میان‌مدت، اهداف بلندمدت، شناسایی نحوه گردآوری، گردآوری درون سازمانی، شناسایی و تشخیص راهکارها، راهکار با سابقه، راهکار بدون سابقه، ارزیابی موضوعی، ارزیابی امکاناتی، ارزیابی قابل اجرا بودن، ارزیابی اهداف، انتخاب اقتضایی، انتخاب بافرصت، انتخاب بدون فرصت، اجرای اقتضایی، اجرا بافرصت، اجرا بدون فرصت، ارزیابی رویکردی، ارزیابی ساختاری، ارزیابی امکاناتی) در حد مجاز قرار گرفته لذا با مطالعه دوباره ادبیات و پیشینه در زمینه تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم، همچنین مدل پیشنهادی اولیه پژوهش و با انجام تحلیل داده‌های کیفی و کمی، با مشخص شدن نهایی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد، مطالعه مدل‌های ارائه شده توسط دانشمندان مختلف، مدل ۸ مرحله‌ای (رابینز و فلدمن) مناسب شناخته شد. در این مدل، تصمیم‌گیری متأثر از تعامل میان هشت بُعد شامل ۱- رویارویی با مسئله؛ ۲- تعیین اهداف و مقاصد؛ ۳- خلق راهکار؛ ۴- گردآوری اطلاعات؛ ۵- ارزیابی راهکار؛ ۶- انتخاب بهترین راهکار؛ ۷- به کار بستن تصمیم و ۸-

ارزیابی تصمیم است. لذا در پایان مراحل اول (کیفی) و دوم (کمی)، مدل نهایی به شرح شکل شماره ۲ تدوین و ارائه گردید.

شکل شماره ۲: مدل نهایی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم



نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد ابعاد و مؤلفه‌های الگوی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم عبارتند از: تعیین و تشخیص مسئله (تشخیص موضوعی، زمانی، محلی و فاعلی)؛ مشخص کردن اهداف (شناخت اهداف، اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت)؛ گردآوری اطلاعات (شناسایی نحوه گردآوری، گردآوری درون و برون سازمانی)؛ تعیین راهکارها (شناسایی و تشخیص راهکارها، راهکار با سابقه و بدون سابقه)؛ ارزیابی راهکارها (ارزیابی موضوعی، امکاناتی، قابل اجرا بودن و ارزیابی اهداف)؛ انتخاب راهکار (انتخاب اقتضایی، با فرصت و بدون فرصت)؛ اجرا (اجرای اقتضائی، با فرصت و بدون فرصت) و ارزیابی (ارزیابی رویکردی، ساختاری و امکاناتی). در تصمیم‌گیری پیشگیری انتظامی از جرم هرچه توجه و اقدام ویژه در بُعد تعیین و تشخیص مسئله با مؤلفه‌های آن (تشخیص موضوعی، تشخیص زمانی، تشخیص محلی و تشخیص فاعلی) به هنگام و درست انجام

گیرد بیشترین تأثیر را در پیشگیری انتظامی از جرم می‌تواند داشته باشد. برای تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم بیشترین میانگین مربوط به بُعد تعیین و تشخیص مسئله و کمترین میانگین مربوط به بُعد ارزیابی راهکارها است. با این حال همه ابعاد بر متغیر تصمیم‌گیری پیشگیری انتظامی از جرم تأثیر دارند. الگوی برآمده از این پژوهش با توجه به ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوطه در نوع خود نمونه است؛ لیکن در پاره‌ای از موضوعات (تصمیم‌گیری و ابعاد شناسایی شده)، رابطه نزدیکی با مدل‌های ۷ مرحله‌ای کست و روزن‌زیک و گلداشتاین دارد.

کتابنامه

- ابراهیم‌زاده، علی (۱۳۹۵). «تبیین برنامه‌ریزی مؤثر در مدیریت پیشگیری از جرم»، فصلنامه دانش انتظامی ایلام، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۳۹-۲۷.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، تهران: سمت.
- استوارت، بلک، ج. (۱۳۹۰). الفبای کاربردی مدیریت تیر، چگونه با شناخت و غلبه بر موانع فکری کارکنان، تغییرات استراتژیک ضروری را در سازمان‌ها و شرکت‌ها ایجاد کنیم؟ ترجمه مرضیه کیقبادی، تهران: آینده پژوه.
- هس‌کارن، ام. و اس. میلرلینا (۱۳۸۲). پلیس در اجتماع: راهبردهایی برای قرن ۲۱، ترجمه محمدرضا کله، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- باقریان، محمد (۱۳۸۰). تصمیم‌گیری حکیمانه رویکردی جدید به الگوسازی در مدیریت، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بختیاری، لطفعلی (۱۳۹۴). شایسته‌سالاری و شایستگی مدیریتی، تهران: مرکز تحقیقات کاربردی بازرسی ناجا.
- بغدادی، مصطفی (۱۳۹۳). تأثیر شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران بر عملکرد سازمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی.
- بیات، بهرام، جعفر شرافتی‌پور و نرگس عبدی (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، معاونت اجتماعی ناجا.
- ترویانوویچ، رابرت و باکوروکس، بانی (۱۳۸۳). پلیس جامعه محور، تهران: ترجمه و انتشار مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی ناجا.
- ترینکو، آلاروسمنو بوریس زلاتین (۱۳۸۹). نوآوری نظام یافته، ترجمه مصطفی جعفری، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- چرماک، توماس (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی برپایه سناریو، ترجمه سعید خزایی، مریم وکیل‌زاده و علی راه‌نشین، اصفهان: علم‌آفرین.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری نوین، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- حسینی، سیدعبدالرضا (۱۳۸۵). طراحی و تبیین الگوی مناسب تصمیم‌گیری مدیران عالی دانشگاه‌های دولتی، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ذوالفقاری، حسین و همکاران (۱۳۹۵). طراحی و تدوین الگوی مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.

- دیوید، فردار (۱۳۹۰). مدیریت راهبردی، ترجمه محمد اعرابی و علی پارسایان، تهران: فرهنگ اسلامی.
- رازینی، روح‌الله و مهدی عزیزی (۱۳۹۳). «طراحی الگوی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی»، فصلنامه مدیریت اسلامی، شماره ۴.
- رضاییان، علی (۱۳۹۰). مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت.
- شعبانی، اصغر (۱۳۸۵). سیستم‌های اطلاعات مدیریت، تهران: ترمه.
- صحرايي، اکبر و محمد حسين فرجی (۱۳۹۳). «نقش MIS در بهبود تصمیم‌گیری مدیران»، فصلنامه دانش انتظامی البرز، شماره ۵، دوره ۲.
- عباس‌زادگان، سیدمحمد (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری در مدیریت اجرایی، تهران: انتشار.
- عباسی، مریم (۱۳۸۷). مبانی و مقدمات تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم در ایران، تهران: پلیس پیشگیری ناجا.
- عبدی، توحید (۱۳۸۳). تبیین رویکرد جامعه محوری پلیس، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۴.
- قهرمانی، علی‌اکبر (۱۳۹۱). مدیریت پلیس جامعه محور (از نظریه تا عمل)، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- گرجی، محمداقبر (۱۳۸۸). مدیریت کیفیت جامع در صنعت بیمه ایران و ارائه یک الگوی مطلوب، مجله دانشور، شماره ۳۵، صص ۱۱۸-۱۰۱.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۸). کلیات پیشگیری از جرم، تهران: میزان.
- ملکی، عباس (۱۳۹۴). آشنایی با فرآیند تصمیم‌گیری و انواع مدل‌های تصمیم‌گیری، تهران: دانشگاه تهران.
- میرزایی‌مطلق، عبدالله (۱۳۸۱). نقش پلیس در افزایش و کاهش جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نراق: دانشگاه آزاد اسلامی.
- میس، ادوین و اورتمایر، پی. جی. (۱۳۸۵). رهبری، اصول اخلاقی و امورپلیسی، ترجمه حسین شاکری، تهران: سازمان مطالعات و تحقیقات ناجا.
- نالان‌احمدآباد، سمیه (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری چند معیاره با روش چاکت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: دانشگاه تبریز.
- نوروزی، بهرام، محمد بارانی و سیدمحمدحسین سرکشکیان (۱۳۹۲). پیشگیری از جرم (از نظریه تا عمل با تأکید بر نقش پلیس)، معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- وین بنت و ام. هس. کارن (۱۳۸۳). «تصمیم‌گیری و حل مسئله»، ترجمه مجید رضایی‌راد، اکبر استرסקی و تورج ریحانی، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۶۰-۱۴۰.

- Chermack, Thomas J. (2009). Improving decision-making with scenario planning. journal-article Futures, Elsevier BV, pp 295-309.
- Edwards, Taylur, John Ward, & Andy Bytheway (1999). The Essence of Information Systems; New York: Prentice-Hall.
- Roethele, Chelsie Martin (2013). Police Innovation: Enhancing Research and Analysis Capacity through Smart Policing, Thesis. UNIVERSITY OF SOUTH AFRICA.
- Simeone, Jr. flikes. Chermack, Thomas J. (2013). THE INTEGRATION OF VIRTUAL PUBLIC-PRIVATE PARTNERSHIPS INTO LOCAL LAW ENFORCEMENT TO ACHIEVE ENHANCED INTELLIGENCE-LED POLICING. NAVAL POSTGRADUATE SCHOOL.
- Edwards, Taylur, John Ward & Andy Bytheway (1999). The Essence of Information Systems; New York: Prentice-Hall.
- Davis, Gordon B. & Margrethe H. Olson (1989). Management Information Systems: Conceptual Foundations, Structure and Development, New York: McGraw-Hill, Pp. 6- 35 .
- Lowler, Edward E. & Rhode, John Grant (1998). Information and Control in Organizations; California: Goodyear Publishing co, Pp. 139-152.